

طرز تقسیم ترکه در ملل متنوعه

برای هر يك از افراد بویژه آقایان سردفتران موضوع تقسیم ترکه در ملل متنوعه مورد لزوم و بلکه دانستن آن واجب است بنا بر این با تفحص و مطالعه تورات و کتاب تلمود که متضمن احکام شرع یهود است و کتاب قاموس الادارة و القضاء و بهترین تألیفیکه در این خصوص ملاحظه شده کتاب المقابلات و المقارنات بین احکام المعاملات و الحدود فی شرع اليهود و نظائرهما من الشرع الاسلامی و القوانين الاخری تألیف و ترجمه دانشمند مصری (محمد حافظ صبری، از کتاب استاد فاضل (دی بقلی) فرانسوی عالم بلغت عبری که از کتابهای معتبر فقهاء و اخبار یهود جمع آوری و بطرز کتب قانونی ماده بماده تدوین نموده است طرز تقسیم ترکه در ملت کلیمی بشرح زیر است .

ماده اول - هیچیک از پدر و مادر وزن یا شوهر و دختر و برادر و خواهر و اجداد و جدات میت را سهم و نصیب مقروض و معینی نیست و در درجه اول اولاد ذکور میت وارث ترکه او میشود .

ماده دوم - سهم پسر اول میت دو برابر برادرهای او است و اولاد اناث با وجود اولاد ذکور ارث نمیبرد فقط اولاد ذکور مکلف اند تا اولاد اناث میت بسن بلوغ (دوازده سال تمام) نرسیده اند هزینه و لوازم تربیت آنها را تکفل نموده و در وقت شوهر دادن جهیزیه بقدر مراتبها بآنها بدهند .

ماده سوم - هر گاه پسر میت قبل از خودش فوت شده باشد پسر پسرش

وارث بوده و بر اولاد اناث صلبی میت مقدم است و اگر پسر میت و پسرزاده اش نباشد دختر میت وارث میشود و اگر از دختری که قبل از پدرش مرده پسر و دختری باقی باشد پسر بر دختر در توارث مقدم است .

ماده چهارم - هر گاه برای میت اولاد و نواده ذکوراً و اناثاً نباشد پدر میت در درجه دوم وارث تمام تر که خواهد بود و مادرش را سهمی نیست چنانچه اقربای میت را هم از تر که نصیبی نمیشود .

ماده پنجم - هر گاه برای میت اولاد و نواده و پدری هم در حیات نباشد برادرانش در درجه سوم وارث هستند و اگر برادرش هم نباشد برادرزاده و یا نواده برادر وارث تر که میشود .

ماده ششم - هر گاه میت را برادر و برادر زاده و یا نواده برادر هم نباشد خواهر میت در درجه چهارم وارث میشود و اگر خواهر هم نباشد اولاد و یا نواده خواهر وارث خواهند بود .

ماده هفتم - هر گاه میت را خواهر و اولاد خواهر و یا نواده خواهر هم نباشد پدر میت در درجه پنجم وارث میشود .

ماده هشتم - هر گاه جد میت هم نباشد ارث بعموی میت در درجه ششم میرسد و اگر عمو هم نباشد با اولاد یا نواده عمو میرسد .

ماده نهم - هر گاه برای میت عمو و یا عموزاده و نواده عمو هم نباشد ارث در درجه هفتم بعمه میت میرسد و اگر او هم نباشد با اولاد یا نواده عمه میرسد .

ماده دهم - هر گاه میت را عمه و اولاد و نواده عمه هم نباشد ارث در درجه هشتم بجد پدر میت میرسد .

ماده یازدهم - هر گاه جد پدر میت هم نباشد ارث در درجه نهم بعموی پدر و اگر او هم نباشد با اولاد عمو و یا نواده های عموی پدر میت میرسد .

ماده دوازدهم - هر گاه عمو و عموزاده و نواده های عموی پدر میت هم نباشد ارث در درجه دهم بعمه یا عمه زاده یا نواده عمه پدر میت میرسد .

ماده سیزدهم هر گاه برای میت تا درجه دهم (ماده قبل، اقارب و خویشاوندان نباشد) اولین کسیکه تر که راجحاً می نماید نزد او امانت است تا سه سال که اگر در این مدت برای میت وارثی از درجات ده گانه یافت شد باو بدهند والا با گذشتن مدت سه سال و یافت نشدن وارثی حیات کننده تر که مالک آن خواهد بود .

ماده سیزدهم - هر گاه بمورث در حیات خود شخص معینی را بوارث بودن اموال و تر که خود معرفی کند باید تر که باوداده شود مشروط باینکه برای میت وارث قانونی نباشد بعلاوه تر که راقبض کرده باشد اگر چه منافع تا زمان حیات مورث راجع بخودش باشد .

ماده چهاردهم - هر گاه وارث قانونی میت تا سه روز بعد از اعلام موت مورث باو تر که راقبول نکند در این صورت بوارث بعد از او میرسد در اینحال تمام دیون میت بعهد و ارث قبول کننده تر که خواهد بودا گر چه دین زائد بر تر که باشد و با تعدد ورثه هر یک نسبت بسهم خود باید از عهده دیون میت بر آیند و اگر دین زائد بر سهم هر یک باشد باید هر کدام به نسبت سهم خود دین را اداء کنند و یا از قبول ارث صرف نظر نمایند .

نقل و انتقالات بلاعوض در شرع یهود

هر نقل و انتقالی چه بصورت هبه یا صلح محاباتی باشد با شرایط مقرر در ناقل و منتقل الیه که تقریباً موافق مقررات شرع اسلامی و قانون مدنی است نافذ است ولی جایز نیست شخص کلیمی که اولاد ذکور دارد تمام یا نصف مال خود را ب دیگری ببخشد و اگر اولاد اناث دارد در بخشیدن تمام یا نصف مال جایز است با کراهت و بطور کلی هر نقل و انتقالی که بصورت بخشش یا صلح بلاعوض باشد همین که طبق مقررات شرع یهود تنظیم و بصورت تسجیل علمای آنها رسیده باشد باید بر طبق آن عمل شود.

طرز تقسیم تر که در ملت مسیحی بشرح زیر است

در شرع نصاری و کتاب مذهبی آنها (عهد جدید انجیل) کمتر احکام دینی

دیده میشود و اصولاً تابع احکام (عهد عتیق توراة) باید باشند مگر در آنچه تصریحاً یا عملاً نسخ شده باشد و بهمین جهت ملت نصاری غالباً تابع احکام قانونی میباشند. مقررات توارث در شعب مذاهب مسیحی از کاتولیک - پروتستان - ارامنه و غیره ارتودکس همان قوانین مدونه در ملل متمدنه اروپائی است که در کتب قانونی (کدسویل) و در دائرة المعارف آنها چاپ شده و در دسترس میباشد و بطور کلی اصل در تقسیم تر که بین ورثه تساوی ذکور و اناث در سهم الارث است چه اولاد میت باشد یا پدر و مادر و یا برادر و خواهر یا سایر اقارب و خویشاوندان که بترتیب درجات ارث میبرند و در درجه اول فروع میت که اولاد و یا اولاد اولاد او باشد و در درجه دوم اصول میت که پدر و اجدادند و در درجه سوم حواشی و اقارب که برادر و خواهر و اعمام و احوال و عمامت و خالات میت باشند و بامیت در خط عمودی بجامع نسب منتهی میشوند چه از طرف پدر باشد یا مادر و اقارب هر درجه حاجب درجه بعد از خود میباشد و فرقی بین برادران و خواهران پدری و مادری و پدیری تنها و مادری تنها نیست و همه در سهم الارث شریکند و اگر چه در قوانین ممالک متمدنه اختلافاتی دیده میشود مثلاً در فرانسه با بودن اقربای زن - شوهر سهمی ندارد ولی در انگلستان تمام تر که را میبرد و در فرانسه با بودن اقربای شوهر چیزی بزن نمی رسد ولی در انگلستان نصف تر که رازوجه میبرد و نصف دیگر را دولت لیکن اینگونه اختلافات جزئی در اصل کلی قانون توارث و ترتیب درجات تغییر مهمی نمیدهد و بطوری که اشاره شد مقررات قانون توارث در ملل متمدنه و نیز قواعد و مقررات نقل و انتقالات بلاعوض که در کتابهای قانونی آنها طبع شده و در کتابخانه ما موجود است اکنون در ملت نصاری حکم فرما است و احتیاجی بتوضیح مواد آن نخواهد بود.

طرز تقسیم تر که در ملت زردشتی شرح زیر است

اگر چه در ترجمه کتابهای زند و اوستا و کتابهای دیگر زردشتیان که دسترسی بآنها هست از مقررات ارث بلکه سایر احکام و فروع مذهبی آنها خصوصاً در قسمت معاملات چیز مهمی دیده نمیشود و فقط در کتاب دبستان المذاهب ذکر شده که خواهر

ومادر وزوجه میت در مذهب زردشت ارث بر نیست فقط اولاد میت وارث او میباشند
واگر اولاد ندارد و کسی راهم بفرزند خواندگی خود معین نکرده باشد در شب
سوم موت او که شب (دیجور) میگویند شخصی را (اگر از اقربای میت باشد بهتر است)
بنام فرزندی برای میت تعیین میکنند که وارث او بوده و تمام حقوق خانوادگی او
را خواهد داشت .

بطوری که تحقیق شده اخیراً بزرگان زردشتیان انجمنی تشکیل داده و از کلیه
احکام مذهبی خود و آنچه را که بعنوان احکام مذهبی در آنها عملاً جریان داشته
و دارد قسمتهائی را با رعایت تناسب اوضاع و احوال امروزه آئین نامه تنظیم نموده اند
که قسمتی از مواد مربوط ب ارث از آن نقل میشود .

ماده ۱- پس از وضع مخارج کفن و دفن و مبلغی که برای اداء رسوم معموله
مذهبی جهت میت لازم است و قروض او و مبلغی که برای امور خیریه یا تقسیمات
خصوصی اختصاص داده باشد بقیه تر که بعنوان دارائی خالص میت بتصرف وارث
در می آید .

ماده ۲- کسیکه بمیرد و از او پدر و مادر و بیوه و فرزندان مانده و وصیتی
نکرده باشد نخست از دارائی خالص او یک ششم بهره زن و بقیه به پدر و مادر هر یک
یکدهم و اگر هر دو نباشند یک هشتم بآنکه زنده است داده میشود و سهم هر پسر
دو مقابل سهم دختر است و اگر متوفی صغیر دارد بهر یک در حدود متعارف و اوضاع
و احوال خانوادگی بعنوان حق التربیه و نگاهداری مبلغی اضافه داده میشود .

ماده ۳- زن زردشتی که بلا وصیت بمیرد از او پدر و مادر و فرزندان بازمانده
باشند بهر یک از پدر و مادر یکدهم و اگر یکی از آنها زنده باشد یک هشتم و بقیه سهم شوهر
و پسر و دختر متساوی خواهد بود .

ماده ۴- اگر شوهری مرده و زنش هم بعد از او بمیرد دارائی باقیمانده از زن
بین پدر و مادر و اولاد بازمانده از او بشرح ماده قبل تقسیم خواهد شد .

ماده ۵- هر گاه در اثر حوادث زن باشوهرش بدینند نسبت بارتیه از پدر سهم
پسر معادل دو سهم دختر است و نسبت بارتیه از مادر متساویست و نسبت به پدر و مادر

زن و شوهر بارعایت مواد ۲ و ۳ و ۴ عمل میشود .

ماده ۶- فرزندی که قبل از پدر و مادر خود فوت شده و از او زن و فرزندی باقیمانده باشد سهم او به بیوه و فرزند یا فرزندان او تعلق خواهد گرفت و در صورت نداشتن فرزند، بیوه او مطابق ماده زیر ارث میبرد در مرگ زن و یا شوهری که بدون اولاد باشند یک دوم دارائی نصیب زن یا شوهری که باقیمانده و نصف دیگر بهره پدر و مادر متوفی خواهد بود و اگر هیچک از پدر و مادر در حیات نباشند خویشان پدری به ترتیبی که در ماده ۱۳ درجه تقدم آنها تعیین شده ارث میبرند .

ماده ۷- هر گاه زن یا شوهر یا هر دو از ازدواج با دیگری اولاد داشته باشند اولاد هر یک از آنها از نامادری و ناپدری خود ارث نمیبرند .

ماده ۸- کسیکه بفرزند خواندگی حق ارث بردن از پدر و مادریکه او را بفرزندی خود خوانده اند دارد این حق مانع از ارث بردن او از والدین و خویشاوندان حقیقی خودش نخواهد بود .

ماده ۹- اگر وارث میت منحصر به چند برادر و خواهر باشد چنانچه میت زن بوده سهم الارث هر یک از برادران و خواهرانش مساویست و هر گاه مرد بوده هر یک از برادران دو برابر خواهر ارث میبرند .

ماده ۱۰- چنانچه فرزند خوانده قبل از فوت پدر خوانده یا مادر خوانده و یا پدر و مادر حقیقی خود بمیرد و از او زن و فرزندی باقی نباشد یک دوم از دارائی او متعلق به پدر و مادر حقیقی و یک دوم دیگر به پدر و مادر خوانده و یا هر یک از آنها که سمت فرزند خواندگی او را داشته اند تعلق خواهد گرفت و اگر زنی از او باقی باشد یک دوم از کل دارائی او نصیب زن و یک دوم دیگر دو قسمت میشود یک چهارم سهم پدر و مادر حقیقی یا ورثه آنها و یک چهارم دیگر سهم کسیکه فرزند خوانده او است خواهد شد .

ماده ۱۱- اگر فرزند خوانده بعد از فوت پدر و مادر خوانده یا یکی از آنها بمیرد و از او زن و فرزندی باقی نباشد دارائی او بین پدر و مادر حقیقی یا وارث آنها قسمت خواهد شد .

ماده ۱۲ - اگر در میان ورثه غایب مفقود الاثری باشد سهم او کنار گذارده میشود تا حال او معلوم گردد .

ماده ۱۳ - طبقه اول ورثه مقدم بر طبقه دوم و دوم برسوم و بهمین نحو طبقات بعدی بشرح زیر :

طبقه اول زن یا شوهر - اولاد - پدر و مادر و اولادزاده در مواردی که مطابق این آئین نامه قائم مقام اولاد متوفی میشوند طبقه دوم برادر و خواهر متوفی و اولاد آنها هر قدر پائین برود طبقه سوم جد و جده طبقه چهارم اعمام و عمات و خالوها و خالهها و اولاد آنها .

ماده ۱۴ در موردی که زن و شوهر بی اولاد با موافقت یکدیگر کسی از زردشتیان را بسمت فرزندی خود اختیار کنند آن فرزند خوانده وارث شخص او است و اگر بعداً ازدواج کند و فرزندی از او بوجود آید فرزند خوانده نیز در ردیف فرزندان او بشمار و در حقوق و مقررات مانند فرزند حقیقی محسوب است .

ماده ۱۵ - در موقعی که زن بیوه یا شوهر بیوه کسی را بفرزندی اختیار نماید آن فرزند خوانده فقط وارث همان زن یا شوهر خواهد بود که او را بفرزندی خوانده است مگر در موردی که وارث زن یا شوهری که او را بفرزندی نخوانده موافقت نماید که همان شخص معین فرزند خوانده زن و شوهر هر دو بشمار آید .

ماده ۱۶ - در موردی که مردی بی اولاد فوت نماید و فرزند خوانده هم نداشته و وصیتی هم نکرده باشد ورثه میتواند در صبح روز چهارم فوت او با حضور موبد و حضار پسریا مرد زردشتی را بسمت پل گذاری شخص متوفی معین کنند در این صورت سمت فرزند حقیقی را خواهد داشت .

ماده ۱۷ - هر زردشتی میتواند بموجب وصیت اموال خود را میان ورثه و یا اشخاصی دیگر تقسیم کند و یا بهر مصرف خیریه دیگری که بخواهد بعد از مرگ خود تعیین نماید و تخلف از وصیت جایز نیست .

ماده ۱۸ - در صورتیکه موصی بعد از وصیت اولادی پیدا کند یا پس از فوت او حملی ظاهر شود و مسلم نباشد که موصی قصد محروم کردن اولاد بعدی یا حمل

را از ارث داشته هر يك از آنها بقدر سهمی که با فرض نبودن وصیت از ترکه بهره‌ور میشدند سهم میگردند .

ماده ۱۹ - در تعیین پل گذاری و فرزند خواندگی بستگان متوفی مقدم‌اند و با نبودن بستگان مرد از بستگان زن و چنانچه زن اختیار نکرده و یازن او بستگانی ندارد از میان سایر زردشتیان کسی را انتخاب میکنند.

ماده ۲۰ - در مورد فوت پسر اگر از خود بقدر کفایت دارایی نداشته باشد اگر پدر او زنده است نگاهداری فرزند پسر متوفی تا موقع رشد برعهده پدر پسر متوفی میباشد هم چنین نسبت بزین پسر متوفی مادام که شوهر اختیار نکرده و هر گاه پدر فوت نمود و سهم الارث پسر متوفی کافی برای معاش و تربیت فرزند پسر متوفی و نگاهداری زن او نباشد برعهده مادر متوفی است و چنانچه مادر بی بضاعت و یا فوت نمود برعهده جد پدری است و در صورت فوت یا نداری جد پدری برعهده اولاد جد پدری است با رعایت تقدم ذکور بر اناث و ارشدیت و تمکن و هم چنین است نسبت بنگاهداری زن پسر متوفی .

نقل و انتقالات بلاعوض در ملت زردشتی

اگرچه نسبت بآن موضوع هم حکم مخصوصی در مذهب زردشتی و نیز در آئین نامه که اخیراً تنظیم نموده اند دیده نمیشود ولی از اینکه در وصیت با اقوال خود بهر کیفیتی آزادند استنباط میشود که میتوانند نقل و انتقالات بلاعوض هم بنمایند و شروط و قیود مخصوصی در آن نمیباشد و البته در این قسمت هم تنظیم اسنادی که اعتبار آنها مسلم باشد باید رعایت گردد . و در هر حال چون این موضوع (هبه و بخشش و صلح بلاعوض) از احوال شخصیه شمرده نمیشود مشمول ماده واحده قانونی لزوم رعایت احوال شخصیه ملل متنوعه نخواهد بود.

اینست خلاصه قسمتهائیکه در مینه طرز تقسیم تر که در گذشتگان ملل متنوعه و انتقالات بلاعوض آنها از کتب و مأخذ معتبر استخراج شده و تصور میرود برای منظوم نظر آقایان همقطاران کافی باشد و چنانچه آقایان اساتید جرح و تعدیلی یا اضافه قسمتهای دیگر را لازم دانسته و بدانند چه بسیار خوبست فدوی را مستحضر فرمایند. سردفتر اسناد رسمی درجه اول شماره ۲۱۶ - سیدمرتضی هاشمی وزیر